



سرمربی تیم ملی ماجرای پاداش نجومی حضور در جام جهانی را تأیید کرد

۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

برای چی

روایت معاون وزیر ورزش درباره حمایت دولت از تیم ملی

چهارصد میلیارد پرداخت شد هزار میلیارد هم می‌خواستند

با افکار عمومی بازی نکنید جواب مردم را فنی بدهید

ویسی: قلعه‌نویی ۱۳ سال جام نیاورد

هیچ کدام از منتقدان وطن فروش و خائن نیستند

آشتیانی: نباید ناکامی‌های تیم ملی را توجیه کنیم واقع بین باشیم دستاوردی نداشتیم

رامین با استقلال قراردادی ندارد فرصت درآمدزایی از فروش رضاییان سوخت

برندگان و بازندگان جام جهانی ۲۰۲۶ وداع تلخ اسطوره‌ها تولد قهرمانان جدید

یادداشت یک

وطن را خرج جدال‌های فوتبالی نکنیم

فرخ حسابی خبرنگار

اظهارات اخیر امیر قلعه‌نویی درباره منتقدان تیم ملی، بیش از آنکه به مسائل فنی بپردازد، به دلیل استفاده از واژه‌هایی مانند «بی‌وطن» مورد توجه قرار گرفت، ادبیاتی که با جایگاه سرمربی تیم ملی همخوانی ندارد.

واقعیت این است که بخشی از انتقادهای در جریان جام جهانی ۲۰۲۶ متصفانه نبود. برخی منتقدان از جمله عادل فردوسی‌پور (که به نظر می‌رسد مخاطب اصلی حملات سرمربی تیم ملی بود) از ابتدا موضعی تند علیه کادرفنی داشتند و حتی در حساس‌ترین روزهای مسابقات تیم ملی در جام جهانی نیز به انتقادهای شدید خود ادامه دادند، انتقادهایی که گاه بوی تسویه حساب شخصی یا قلعه‌نویی می‌داد و می‌توانست به بعد از پایان مسابقات موکول شود.

با این حال، میان نقد تند و زیر سؤال بردن وطن دوستی افراد فاصله زیادی وجود دارد. تیم ملی، چه فوتبال و چه کشتی و یا هر رشته دیگری با همه اهمیت و جایگاهش در نهایت یک تیم ورزشی است و عملکرد آن، مانند هر تیم دیگری می‌تواند مورد ستایش یا انتقاد قرار گیرد. مخالفت با تصمیمات فنی، انتقاد از نتایج یا حتی نقدهای تند و غیرمنصفانه، هیچ‌کدام دلیلی برای نسبت دادن برچسب‌هایی چون «وطن‌فروش» به منتقدان نیست.

سرمربی تیم ملی حق دارد از عملکرد خود دفاع کند و به منتقدان پاسخ دهد، اما پاسخ به نقد نیز آداب و ادبیات خاص خود را می‌طلبد. بهترین پاسخ به انتقاد، ارائه استدلال، آمار و عملکرد است، نه قضاوت درباره میزان علاقه افراد به کشورشان. تیم ملی متعلق به همه مردم است؛ هم آنان که تشویق می‌کنند و هم آنان که نقد دارند. اختلاف نظرهای فوتبالی نباید به جایی برسد که پای مفاهیمی چون وطن دوستی و وطن فروش به میان کشیده شود. این خط قرمزی است که رعایت آن بیش از هر کسی از سرمربی تیم ملی انتظار می‌رود.

روایت

اظهارات عجیب سرمربی تیم ملی در مصاحبه با یک برنامه تلویزیونی

ایثار ۱۴۰ میلیاردی



اظهارات اخیر امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران، درباره دوران حضورش در این سمت، نه تنها به آرامش فضای رسانه‌ای کمک نکرده، بلکه موجی تازه از حواشی و پرسش‌های جدی را به وجود آورده است. وی با اشاره به قرارداد سالانه ۳۰ میلیارد تومانی خود، مدعی شده که پذیرش این مسئولیت مصداق «ایثار» بوده و حتی دریافتی خود را با برخی مربیان لیگ برتری مقایسه کرده است؛ مقایسه‌ای که واکنش‌های تندى را در محافل فوتبالی به دنبال داشته و رسانه‌ها را به وااکاوی عمیق‌تر این ادعاها وادار کرده است.

طرح واژه «ایثار» برای هدایت تیم ملی از سوی قلعه‌نویی با انتقادهای فنی و ساختاری بسیاری روبه‌رو شده است. او در اسفند ۱۴۰۱ در شرایطی سکان هدایت پوزها را پذیرفت که پس از آخرین قهرمانی‌اش با استقلال در لیگ دوازدهم، نزدیک به یک دهه موفق به فتح هیچ جامی نشده و با تیم‌هایی با هزینه‌های کهکشانی، حتی به جمع چهار تیم برتر جام حذفی هم نمی‌رسید. این نکته، خود پرسش‌هایی را در مورد ماهیت این «ایثار» مطرح می‌کند. ولی فدراسیون فوتبال بار دیگر به با اعتماد کرد و مهم‌ترین و پرستیزترین صندلی مربیرگی کشور را به او سپرد. حضور در جام جهانی و هدایت تیم ملی، بالاترین سقف آرزوی حرفه‌ای برای هر مربی ایرانی محسوب می‌شود و هیچ اجباری برای امضای قراردادی که از نظر مربی منصفانه نباشد، وجود نداشته است. از این رو، بسیاری از منتقدان، مطرح کردن منت «ایثار» پس از گذشت چند سال از نوعی فرار از مسئولیت‌پذیری و توجیه عملکرد می‌دانند. این تحلیل‌گران معتقدند که جایگاه سرمربیگری تیم ملی، خود افتخاری بزرگ است که نیازی به توجیه با واژه‌هایی نظیر «ایثار» ندارد.

بخش دیگری از مصاحبه‌های جنجالی قلعه‌نویی به مقایسه شرایطش با کارلوس کی‌روش و ماجرای پاداش صعود اختصاص داشت. در شرایطی که قرارداد کی‌روش بند مشخصی برای پاداش صعود وجود داشت، چنین بندی در قرارداد اولیه قلعه‌نویی گنجانده نشده بود. اما پس از چانه‌زنی‌های فراوان در فدراسیون، پاداشی جداگانه برای کادر فنی به تصویب رسید. ارقام مطرح شده در این خصوص نیز قابل توجه است، رقم اولیه پرداختی حدود ۱ میلیون دلار بود که در نهایت روی عدد ۸۰۰ هزار دلار نهایی شد؛ رقمی که با نرخ فعلی ارز، فاصله فرسنگی با دستمزد سالانه ۳۰ میلیاردی دارد و پرسش‌هایی را درباره تناسب آن با طرح پروژه «ایثار» مطرح می‌کند.

علاوه بر این، قلعه‌نویی صعود ایران را با ناکامی برخی کشورهای منطقه نظیر امارات مقایسه می‌کند، اما در این دوره با افزایش سهمیه آسیا از ۴.۵ به ۵.۵ تیم برای جام جهانی ۲۰۲۶، مسیر صعود بسیار هموارتر از ادوار گذشته بوده است. این واقعیت، مقایسه صعود فعلی با صعودهای دشوارتر گذشته را از اعتبار ساقط می‌کند و ادعای «ایثار» را در این زمینه نیز تضعیف می‌نماید.

تحلیل رفتاری سرمربی تیم ملی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از فشارهای وارد شده به مجموعه تیم ملی، ناشی از نتایج فنی نیست، بلکه ریشه در ضعف شدید در مدیریت رسانه‌ای و نوع ادبیاتی دارد که شخص اول نیبکت از آن استفاده می‌کند. اصرار بر مقایسه‌های مداوم با مربیان قبلی، منت‌نهادن پرسر مخاطب برای پذیرش مسئولیت و توجیه پاداش‌های دلاری در شرایط اقتصادی موجود کشور، تنها تئور حواشی را شعله‌ورتر می‌کند. این رویکرد، به جای ایجاد همدلی و تمرکز بر اهداف تیم ملی، به ایجاد فضای دوقطبی و تشدید انتقادات منجر می‌شود. در شرایطی که جامعه از مشکلات اقتصادی رنج می‌برد، مطرح کردن ارقام نجومی و توجیه آن با «ایثار»، نه تنها مورد پذیرش افکار عمومی قرار نمی‌گیرد، بلکه بر خشم و نارضایتی می‌افزاید. کادر فنی تیم ملی و در رأس آن امیر قلعه‌نویی بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری جدی در ادبیات رسانه‌ای خود هستند. نیبکت تیم ملی ایران، جایگاهی برای تسویه حساب‌های مالی با منت‌گذاری بر سر مردم نیست؛ بلکه امانتی ملی است که تنها با تواضع، پاسخگویی فنی و دوری از حواشی خودساخته می‌توان از آن پاسداری کرد. در آستانه رویدادهای مهمی نظیر جام ملت‌ها، آژامش و تمرکز تیم ملی از اهمیت حیاتی برخوردار است. اظهارات نسنجیده و خودزنی‌های گفتمانی، تنها به این آرامش آسیب می‌زند و مانع از دستیابی به اهداف بزرگ می‌شود.

۱۱ گل در رقابت برای عنوان زیباترین گل جام جهانی ۲۰۲۶

گل نیوزیلند به ایران هم نامزد شد

فیفا فهرست ۱۱ گل نامزد کسب عنوان زیباترین گل جام جهانی ۲۰۲۶ را منتشر کرد که در میان آن‌ها، گل الیاجا جاست، مهاجم تیم ملی نیوزیلند، به ایران نیز دیده می‌شود. این گل در دیدار مرحله گروهی دو تیم به ثمر رسید؛ مسابقه‌ای که با تساوی ۲ بر ۲ به پایان رسید و یکی از دیدارهای جذاب مرحله نخست رقابت بود. در کنار گل جاست، نام‌های بزرگی همچون کیلیان امباپه، لیونل مسی، جود بلینگام و فران تورس نیز در فهرست نامزدهای بهترین گل جام قرار دارند. حضور گل بازیکن نیوزیلند به ایران در این فهرست، بار دیگر آن صحنه تماشایی را در ذهن فوتبال‌دوستان زنده کرده است. برنده این جایزه پس از رای‌گیری هواداران از میان ۱۱ گل منتخب معرفی خواهد شد و یکی از زیباترین لحظات جام جهانی ۲۰۲۶، با نام خود ثبت می‌کند.

سرمربی تیم ملی ماجرای پاداش نجومی حضور در جام جهانی را تأیید کرد

۱۴۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ تومان برای چی!



ایران در جام جهانی

عملکرد تیم ملی فوتبال ایران در سال‌های اخیر، به ویژه در رقابت‌های مهمی چون جام ملت‌ها، بار دیگر بحث مسئولیت‌پذیری کادر فنی و نحوه ارزیابی موفقیت را به موضوعی جدی در افکار عمومی تبدیل کرده است. در این میان، نام

جنگال روز

سیناحسینی

خبرنگار

خط و نشان سرمربی تیم ملی برای هیات رئیسه

سردرگمی در ستؤل برای تمدید قرارداد امیر

حاشیه روز

محمدرضا رحیم‌پور /

فوتبال ایران این روزها بیش از هر زمان دیگری درگیر حواشی و ابهامات مدیریتی است. بازگشت تیم ملی از جام جهانی ۲۰۲۶، که با ناکامی در صعود از مرحله گروهی همراه بود، نه تنها نقطه پایانی بر این ابهامات نگذاشت، بلکه با اظهارات تازه امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی، فضایی جدید از سردرگمی‌ها را گشود. قلعه‌نویی در حالی در یک برنامه زنده تلویزیونی از پایان قریب‌الوقوع قراردادش در یک ماه آینده سخن می‌گوید که پیش از این مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، از تمدید همکاری تا پایان جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ خبر داده بود. این تناقض آشکار، نه تنها افکار عمومی را سردرگم کرده، بلکه به وضوح از وجود اختلاف نظرهای عمیق در بدنه مدیریتی فدراسیون فوتبال حکایت دارد. این شکاف عمیق در فوتبال‌ها، پرسش‌های متعددی را پیش روی جامعه فوتبال قرار می‌دهد و اینکه آیا تصمیم‌گیری نهایی درباره آینده سرمربی تیم ملی هنوز در هیأت رئیسه فدراسیون انجام نشده است؟ چرا رئیس فدراسیون خبری را به‌طور رسمی اعلام می‌کند که سرمربی تیم ملی آن را رد کرده یا معلق می‌داند؟ و مهم‌تر از همه، ادامه این بلاتکلیفی چه تأثیری بر روحیه بازیکنان و اعتماد عمومی خواهد گذاشت؟ بر اساس گفته‌های اخیر قلعه‌نویی، تصمیم‌گیری نهایی درباره ادامه حضور او به اعضای هیأت رئیسه واگذار شده است.

این موضوع نشان می‌دهد برخلاف ادعای رئیس فدراسیون، هنوز اجماع کاملی میان مدیران ارشد وجود ندارد و از طرفی برخی اعضای هیأت رئیسه همکاران تا پایان جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ خبر داده بود. این تناقض آشکار، نه تنها افکار عمومی را سردرگم کرده، بلکه به وضوح از وجود اختلاف نظرهای عمیق در بدنه مدیریتی فدراسیون فوتبال حکایت دارد. این شکاف عمیق در فوتبال‌ها، پرسش‌های متعددی را پیش روی جامعه فوتبال قرار می‌دهد و اینکه آیا تصمیم‌گیری نهایی درباره آینده سرمربی تیم ملی هنوز در هیأت رئیسه فدراسیون انجام نشده است؟ چرا رئیس فدراسیون خبری را به‌طور رسمی اعلام می‌کند که سرمربی تیم ملی آن را رد کرده یا معلق می‌داند؟ و مهم‌تر از همه، ادامه این بلاتکلیفی چه تأثیری بر روحیه بازیکنان و اعتماد عمومی خواهد گذاشت؟ بر اساس گفته‌های اخیر قلعه‌نویی، تصمیم‌گیری نهایی درباره ادامه حضور او به اعضای هیأت رئیسه واگذار شده است.



آسان در جام جهانی ۲۰۲۶، مشروعبت فنی او را بیش از پیش زیر سؤال برده است. در چنین شرایطی، تمدید قرارداد با او تنها در صورتی برای افکار عمومی قابل پذیرش بود که با برنامه‌ای روشن، جوانگرایی واقعی و اصلاح روند فنی همراه می‌شد، نه با کنایه‌های رسانه‌ای و شروط پنهانی. تداوم این وضعیت ابهام‌آلود نه به سود فدراسیون است و نه به سود تیم ملی. تنها در وفاداری تارویدادهای بعدی باقی مانده و فرصت‌های طلایی آماده‌سازی به سرعت در حال سوزانده شدن است. اگر تصمیم مربوط به پاداش میلیاردی و مباحث مالی قرار گرفته است؟ همزمان، شایعات سنگین پیرامون کادر فنی، فضایی از عدم شفافیت مالی را ایجاد کرده که به شدت برای آینده فوتبال ملی مضر است. کارنامه فنی امیر قلعه‌نویی در رقابت‌های مهم ملی نیز همواره محل بحث و تشکیک کارشناسان بوده است. حذف در جام ملت‌های ۲۰۰۷، ناکامی در جام ملت‌های ۲۰۲۳ و سپس عدم عبور از گروهی نسبتاً

آن با شرایط فعلی، نشان می‌دهد که الگوی مواجهه با ناکامی‌ها تغییر چندانی نکرده است. در آن زمان نیز حذف تیم ملی به «اتفاقات فوتبالی» و مشکلات آماده‌سازی نسبت داده شد. امروز نیز با وجود گسترش دسترسی به داده‌ها، تحلیل‌ها و آگاهی عمومی، چنین توضیحاتی دیگر برای افکار عمومی قانع‌کننده نیست. مخاطب امروز انتظار دارد ناکامی‌ها با شفافیت بیشتری تحلیل شود و سهم تصمیمات فنی نیز مورد بررسی قرار گیرد. واقعیت این است که تیم ملی ایران در دوره اخیر، با توجه به ساختار مسابقات و افزایش تعداد تیم‌ها، فرصت مناسبی برای صعود به مراحل بالاتر داشت. با این حال، حذف زودهنگام از رقابت‌ها، همراه با نمایش‌هایی نه‌چندان قانع‌کننده، باعث شد این فرصت از دست برود. در چنین شرایطی، طرح موضوع دریافت پاداشی در حد ۱۴۰ میلیارد تومان، پرسش‌های جدی درباره نسبت «دستاورد» و «دستمزد» ایجاد می‌کند. به نمونه‌های بین‌المللی می‌تواند این پرسش را روشن‌تر کند. لیونل اسکاِلونی توانست تیم ملی آرژانتین را با عملکردی منسجم به موفقیت‌های بزرگ برساند و جایگاهی درخ‌ر در فوتبال جهان تثبیت کند. همچنین دیدیه دشان سال‌هاست تیم ملی فرانسه را در سطح اول فوتبال جهان نگه داشته و به فینال‌های بزرگ رسانده است. این مربیان، پیش از هرگونه مطالبه مالی چشمگیر، کارنامه‌ای مملو از موفقیت‌های ملموس و قابل اندازه‌گیری ارائه داده‌اند. حتی اگر به سایر تیم‌های بزرگ نگاه کنیم، معیار پرداخت‌ها معمولاً بر اساس عملکرد، ثبات و دستاوردهای مشخص

آشتیانی: نباید ناکامی‌ها را به خدا نسبت داد

واقع بین باشیم، دستاوردی در جام جهانی نداشتیم



ورزشی است. امروز ورزشکاران ایرانی در رشته‌های مختلف در سراسر جهان مدال طلا می‌گیرند و سرود جمهوری اسلامی ایران بارها در مسابقات بین‌المللی ناوخته می‌شود. اگر صد یا هزار بار هم سرود ایران در آمریکا پخش شود، باید دید در عمل چه آورده‌ای برای ورزش کشور داشته است. او با طرح این پرسش که فوتبال ایران از شش حضور در جام جهانی چه به‌ره‌ای برده است، تصریح کرد: «مدام می‌گویند تجربه کسب کرده‌ایم. سؤال من این است که این تجربیات کجا ثبت، مستندسازی و به نسل‌های بعد منتقل شده است؟ در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی یا حتی بهره‌برداری سیاسی، چه دستاورد ملموسی از این حضورها نصیب ورزش ایران شده است؟ واعظ آشتیانی در پایان با دعوته به واقع‌بینی در ارزیابی عملکرد تیم ملی خاطرنشان کرد: «کمی انصاف داشته باشیم. باید اطراف را هم دید و واقعیت‌ها را در نظر گرفت. نگاه به جام جهانی باید واقع‌بینانه باشد، نه صرفاً احساسی و تبلیغاتی.»



مصاحبه

امیررضا واعظ آشتیانی، مدیرعامل پیشین استقلال و کارشناس مدیریت ورزشی، با انتقاد از اظهارات اخیر کادر فنی تیم ملی جهانی، معتقد است حضور در این رقابت‌ها زمانی ارزشمند است که دستاوردهای فنی، اقتصادی و مدیریتی مشخصی برای فوتبال کشور به همراه داشته باشد.

ورزشی اظهار کرد: «من بارها و بارها به این موضوع اشاره کرده‌ام؛ رفتن به جام جهانی فقط یک منفعت دارد؛ اینکه مارکت و قیمت بازیکنان افزایش پیدا می‌کند و ویت‌ترین افتخارات برخی آقایان که سال‌ها به دنبال آن بودند، کامل‌تر می‌شود.» وی با تأکید بر اینکه قصد ورود به مباحث فنی را ندارد، افزود: «ادعای نظر فنی ندارم و اگر هم بخواهند، در این حوزه اظهارنظر نمی‌کنم. اما تحلیل‌ها را می‌بینم، رادیو گوش می‌دهم و نظرات کارشناسان را دنبال می‌کنم. برای من عجیب است که سرمربی تیم ملی می‌گوید «خدا با ما سر ناسازگاری دارد». یعنی نتیجه نگرفتن، به تیر دروازه خوردن توپ و ناکامی‌ها را به خداوند نسبت می‌دهند؟ مدیرعامل سابق استقلال ادامه داد: «یکی از کارشناسان فنی به درستی گفته بود که مسای در بسیاری از بازی‌ها تفاوتی با باخت ندارد؛ چون از سه امتیاز فقط یک امتیاز نصیب تیم می‌شود. این یک حرف منطقی است. اما امروز برخی تلاش می‌کنند با استناد به اینکه امتیاز

بیشتری برگزار شد و مسیر صعود نیز نسبت به گذشته هموارتر بود. اگر با وجود صرف صدها میلیارد تومان و درخواست بودجه‌های بیشتر، تیم ملی همچنان نتواند از مرحله گروهی عبور کند، طبیعی است که عملکرد مدیریتی و برنامه‌ریزی فدراسیون زیر ذره‌بین قرار گیرد. حمایت مالی دولت مهم‌ترین معیار ارزیابی هر هزینه‌ای، نتیجه فنی، توسعه فوتبال و کسب نتایج بهتر منجر شود؛ نه اینکه تنها به افزایش هزینه‌ها و

تکرار مطالبات مالی بینجامد. اکنون انتظار می‌رود فدراسیون فوتبال به صورت شفاف اعلام کند ۴۰۰ میلیارد تومان پرداخت‌شده دقیقاً در چه بخش‌هایی هزینه شده و اگر صرف تیم ملی شده، چرا کادرفنی با چنین ادبیاتی از کمبود حرف می‌زند؟ چرا با وجود این بودجه همچنان صحبت از نیاز به هزار میلیارد تومان دیگر مطرح است و سهم این هزینه‌ها در بهبود عملکرد تیم ملی چه بوده است؟



تقاضی که باید توضیح داده شود

یکی از مهم‌ترین نکات این ماجرا، تناقض میان اظهارات مسئولان است. از یک سو، معاون وزیر ورزش تأکید می‌کند که تعهد مالی دولت به‌طور کامل پرداخت شده است و از سوی دیگر، سرمربی تیم ملی همچنان از نبود امکانات و مشکلات موجود گلایه دارد. این دو روایت، تعهدی چند احتمال را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد: یا منابع مالی در مسیر تخصیص و توزیع با مشکل مواجه شده‌اند، یا کیفیت هزینه‌کرد به اندازه‌ای نبوده که رضایت کادر فنی را جلب کند. در هر دو صورت، این تناقض افکار عمومی، ارائه توضیحی شفاف از سوی فدراسیون فوتبال است اما در نهایت، مهم‌ترین معیار ارزیابی هر هزینه‌ای، نتیجه آن است. در جام جهانی ۴۸ تیمی، رقابت‌ها نسبت به دوره‌های گذشته با تیم‌های



حمایت مالی دولت زمانی قابل دفاع است کیفیت فنی، توسعه فوتبال و کسب نتایج بهتر منجر شود؛ نه اینکه تنها به افزایش هزینه‌ها و تکرار مطالبات مالی بینجامد

روایت معاون وزیر ورزش درباره حمایت دولت از تیم ملی

۴۰۰ میلیارد پرداخت شد، ۱۰۰۰ میلیارد دیگر هم می‌خواستند

فدراسیون نیز به‌طور کامل پرداخت شد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که همزمان، فدراسیون فوتبال از نیاز به حدود هزار میلیارد تومان دیگر برای اداره امور خود سخن گفته است؛ رقمی که فاصله قابل توجهی با بودجه پرداخت‌شده دارد و پرسش‌های فراوانی را درباره نظام مالی و بودجه‌ریزی فوتبال کشور به وجود می‌آورد.

۴۰۰ میلیارد هزینه: خروجی چه بود؟

سؤال اصلی اینجا است؛ وقتی صدها میلیارد تومان صرف تیم ملی می‌شود، خروجی این سرمایه‌گذاری برای فوتبال ایران چه بوده است؟ ۴۰۰ میلیارد تومان رقم کوچکی نیست، چنین بودجه‌ای برای تأمین اردوها، امکانات، پاداش‌ها و برنامه‌های آماده‌سازی تیم ملی، عددی قابل توجه محسوب می‌شود. با این حال، مطرح شدن درخواست هزار میلیارد تومان دیگران پرسش را ایجاد می‌کند که آیا مشکل، کمبود منابع است یا شیوه مدیریت و هزینه‌کرد آنها؟ اگر با وجود چنین بودجه‌ای، همچنان نیاز به چند برابر این رقم وجود دارد، طبیعی است که افکار عمومی درباره ساز و کار بودجه‌ریزی و انضباط مالی فدراسیون فوتبال سؤال کند. آیا این هزینه‌ها صرف

سؤال روز

مسحذاکری

خبرنگار

در شرایطی که امیر قلعه‌نویی با لحنی انتقادی از کمبود امکانات و محدودیت‌های تیم ملی سخن می‌گوید، اظهارات معاون وزیر ورزش روایت دیگری از وضعیت مالی فوتبال ایران ارائه می‌دهد؛ روایتی که پرسش‌های جدی درباره نحوه هزینه‌کرد بودجه‌های کلان در فدراسیون فوتبال ایجاد کرده است. سید مناف هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش و جوانان، با اشاره به حمایت ویژه دولت از فوتبال، اعلام کرد تعهد ۴۰۰ میلیارد تومانی وزارت ورزش به فدراسیون فوتبال به‌طور کامل پرداخت شده است. او گفت: «رئیس جمهور دستور ویژه‌ای برای حمایت از فوتبال داشت. اتفاقی که برای فولاد مبارکه رخ داد، در روند حمایت‌ها تأثیر منفی گذاشت، اما بخش عمده این حمایت‌ها محقق شد و تعهد ۴۰۰ میلیارد تومانی وزیر ورزش به



برندگان و بازندگان جام جهانی ۲۰۲۶

وداع تلخ اسطوره‌ها
تولد قهرمانان جدید**منبع: سایت گل**

جام جهانی ۲۰۲۶ با قهرمانی اسپانیا در ورزشگاه مت لایف نیوجرسی به پایان رسید؛ پایانی که شاید از نظر کیفیت فنی فینال چندان درخشان نبود، اما در مجموع یکی از پربحث‌ترین و پرماجرترین ادوار تاریخ این رقابت‌ها را رقم زد. اسپانیا با پیروزی یک‌برصفر مقابل آرژانتین به قهرمانی رسید، اما داستان جام جهانی فقط به جامی که رودری و یارانش بالای سر بردند خلاصه نمی‌شود. این تورنمنت صحنه ظهور نسل جدیدی از ستاره‌ها، رکوردشکنی‌های تاریخی، وداع تلخ اسطوره‌ها، ناکامی قدرت‌های سنتی و البته بحث‌های بی‌پایان درباره دآوری، VAR و نقش فیفا بود. برخی با اعتبار و محبوبیتی بیشتر از گذشته آمریکا را ترک کردند و برخی دیگر در حالی از جام جهانی خداحافظی کردند که میراث‌شان زیر سؤال رفت. این گزارش نگاهی دارد به مهم‌ترین برندگان و بازندگان جام جهانی ۲۰۲۶.

اسپانیا: نجات‌دهنده فوتبال زبیا

بزرگ‌ترین برنده جام جهانی بدون تردید اسپانیاست. تیمی که شاید در ابتدای مسابقات زیر سایه فرانسه، آرژانتین و انگلیس قرار داشت، اما در طول تورنمنت ثابت کرد کامل‌ترین و منظم‌ترین تیم مسابقات است.

لاوِخا با هدایت لوئیس دلافونتته فوتبالی مبتنی بر مالکیت، نظم تاکتیکی و کار گروهی ارائه داد. در دورانی که بسیاری از تیم‌ها بیش از حد به ستاره‌های خود وابسته هستند، اسپانیا نشان داد هنوز هم می‌توان با اتکا به ساختار و هماهنگی به موفقیت رسید. آنچه قهرمانی اسپانیا را ویژه‌تر می‌کند، عملکرد دفاعی فوق‌العاده این تیم بود. اسپانیا در مسیر قهرمانی تنها یک گل دریافت کرد؛ آماري که در تاریخ جام جهانی کم‌نظیر است. پائو کوبارسی، آمبریک لاپورته، مارک ککووریا و پدر پورو دیواری ساختند که تقریباً هیچ تیمی نتوانست از آن عبور کند. در کنار آنها رودری نیز با کسب توپ طلا، نقشی کلیدی در موفقیت تیمش ایفا کرد. هافبکی که بار دیگر ثابت کرد فوتبال فقط متعلق به مهاجمان و گلزنان نیست.

مسی: شکستی که شبیه پیروزی بود

شاید عجیب باشد اما یکی از بزرگ‌ترین برندگان جام جهانی ۲۰۲۶ بازیکنی بود که در فینال شکست خورد. لیونل مسی در ۳۹ سالگی نمایشی ارائه داد که حتی تحسین منتقدان قدیمی اش را نیز برانگیخت. او با هشت گل و چهار پاس گل آرژانتینی را که بسیاری آن را ضعیف‌تر از تیم قهرمان ۲۰۲۲ می‌دانستند، تا فینال رساند. مسی در این جام جهانی بارها ناجی تیمش شد. او مقابل انگلستان در نیمه‌نهایی یکی از بهترین نمایش‌های دوران حرفه‌ای خود را ارائه داد و بار دیگر نشان داد سن برای نابغه‌ای مانند او فقط یک عدد است. اگر قطر ۲۰۲۲ جامی بود که به بحث همیشگی «بهترین بازیکن تاریخ»-پایان داد، جام جهانی ۲۰۲۶ جایگاه او را تثبیت کرد. بسیاری از کارشناسان معتقدند مسی حتی بدون فتح جام، بزرگ‌ترین برنده فردی این تورنمنت بود.

**ایران: حذف‌شده‌ای که احترام جهان را به دست آورد**

حذف ایران در مرحله گروهی جام جهانی، اتفاقی فوق‌العاده مطلوب و به‌موقع برای ایالات متحده و فیفا بود چراکه با این اتفاق خیلی‌ها از بیاد می‌برند با امیر قلعه‌نویسی و بازیکنانش در این تورنمنت تا چه اندازه بد و زشت رفتار شد. مارک وین مالین، وزیر امنیت داخلی آمریکا، حتی پس از حذف ایران «رقص پایکوبی» کرد؛ رفتاری که به‌خوبی حقیقت ذات کینه‌توزانه و حقیرانه دولت دونالد ترامپ را بر ملا می‌سازد. ایران تنها به‌دلیل آزارهای سیاسی محض، به تعبیر قلعه‌نویسی «مظلوم‌ترین تیم» تاریخ جام جهانی بود؛ تیمی که مجبور شد درست پیش از دو بازی اول گروهی خود و بلافاصله پس از آنها وارد شهر محل مسابقه شود؛ موضوعی که آثاری ویرانگر بر روند آماده‌سازی آنها برای هر دو دیدار برجا گذاشت.

مهدی طارمی، گاپیتان تیم، پس از تساوی ۲-۲ مقابل نیوزیلند در روز اول مسابقات اذعان کرد: «همه چیز برای ما مثل یک فاجعه است». با این حال، ایران در یک قدمی و تنها «به فاصله چند میلی‌متر» تا صعود به مرحله ۳۲ تیم‌قرار داشت؛ چراکه گل پیروزی‌بخش شجاع خلیل‌زاده در وقت‌های تلف‌شده مقابل مصر، به‌دلیل میلیتمتری‌ترین افساید ممکن مردود اعلام شد. اگر آنها تحت «بدترین شرایط ممکن» قرار نمی‌گرفتند، این شانس کاملاً وجود داشت که ایران (به‌عنوان نخستین تیم تاریخ جام جهانی که توسط کشور میزبان مورد بمباران قرار گرفت) به مرحله حذفی صعود کند. قلعه‌نویسی پس از حذف تیم بدون شکستش، عاجزانه از فیفا خواست «اجازه ندهد چنین اتفاقی دوباره تکرار شود» و در عین حال از «اینفانتینو خواست تا در برابر ایالات متحده بایستد».

هالند: ستاره‌ای که جهان را تسخیر کرد

ارلینگ هالند سال‌ها در فوتبال باشگاهی درخشیده بود اما هنوز منتقدانی داشت که معتقد بودند در سطح ملی خود را ثابت نکرده است. جام جهانی ۲۰۲۶ پاسخی محکم به همه تردیدها بود. هفت گل در پنج بازی، حذف برزیل و رساندن نروژ به جمع مدعیان باعث شد هالند به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های مسابقات تبدیل شود. او نه تنها گل زد، بلکه رهبر نسلی شد که فوتبال نروژ سال‌ها در انتظار آن بود.

**VAR: دشمن احساسات**

یکی از بزرگ‌ترین بازندگان جام جهانی شاید نه یک تیم یا بازیکن، بلکه خود فوتبال بود. فناوری VAR بار دیگر در مرکز جنجال‌ها قرار گرفت. گل‌های مردود میلیمتری، افساید‌های نامحسوس و تصمیماتی که هیچ‌ان لحظه‌ای فوتبال را از بین بردند، باعث شدند انتقادها به اوج برسند. ایران، کرواتسی، مصر، آلمان، نروژ و چند تیم دیگر خود را قربانی این فناوری می‌دانستند. بحث اصلی این بود که آیا عدالت مطلق ارزش از بین رفتن احساسات فوتبال را دارد یا نه؟

**دشان: فرصتی که هدر رفت**

دیدیه دشان با یک نسل طلایی وارد جام جهانی شد اما بدون جام آن را ترک کرد. فرانسه شاید پرستاره‌ترین تیم مسابقات بود اما بار دیگر در برابر اسپانیا کم آورد. انتقاد اصلی به دشان این بود که نتوانست از استعداد فوق‌العاده بازیکنانش بهترین استفاده را ببرد. بسیاری معتقدند فرانسه با چنین نسلی باید بیش از یک قهرمانی جهان در کارنامه داشته باشد.

**نیمار: حسرتی به نام استعداد**

داستان نیمار یکی از غم‌انگیزترین روایت‌های فوتبال مدرن است. او با اشک از تیم ملی برزیل خداحافظی کرد؛ بازیکنی که استعدادش بزرگ‌ترین ستاره‌های تاریخ فوتبال را برای می‌کرد اما هرگز نتوانست تمام ظرفیت خود را شکوفا کند. نیمار سال‌ها قربانی مصدومیت‌ها، انتخاب‌های اشتباه و حاشیه‌ها شد. جام جهانی ۲۰۲۶ آخرین پرده این داستان بود؛ داستان نابغه‌ای که می‌توانست بسیار بزرگ‌تر از آنچه شد باشد.

**امپایه: مرد رکورد‌ها**

فرانسه ناکام ماند اما کیلیان امپایه نه. ستاره فرانسوی با کسب کشش طلای مسابقات بار دیگر توانایی خارق‌العاده خود در گلزنی را نشان داد. اما مهم‌تر از آن، او با گل‌هایش رکورد تاریخی لیونل مسی را شکست و به بهترین گلزن تاریخ جام جهانی تبدیل شد. رسیدن به چنین رکوردی در ۲۷ سالگی تقریباً باورنکردنی است. بسیاری معتقدند این رکورد ممکن است تا دهه‌ها دست‌نخورده باقی بماند. فرانسه به جام نرسید اما امپایه ثابت کرد همچنان یکی از مهم‌ترین چهره‌های فوتبال جهان است.

**یامال: آغاز عصر تازه**

در نیوجرسی تصویری ثبت شد که شاید سال‌ها بعد به نماد تغییر نسل در فوتبال جهان تبدیل شود: لامین یامال جوان پس از پایان فینال، لیونل مسی را دلداری می‌داد. این صحنه معنایی فراتر از یک همدردی ساده داشت. کویی فوتبال جهان مشعل را از دستان مسی به نسل جدید تحویل می‌داد. یامال اگرچه از نظر آماری تورنمنتی خیره‌کننده نداشت، اما نقش او در موفقیت اسپانیا انکارناپذیر بود. ستاره ۱۹ ساله بارسلونا نشان داد علاوه بر استعداد فردی، توانایی بازی در چهارچوب تیمی را نیز دارد. او اکنون در ۱۹ سالگی قهرمان اروپا و جهان است؛ دستاوردی که کمتر بازیکنی در تاریخ فوتبال به آن رسیده است.

**فیفا: اعتبار ازدست‌رفته**

شاید بزرگ‌ترین بازنده جام جهانی ۲۰۲۶ خود فیفا باشد. انتقادها از نحوه برگزاری مسابقات، مسائل سیاسی، تصمیمات دوری و دخالت‌های بیرونی باعث شد بسیاری اعتبار این نهاد را زیر سؤال ببرند. در طول مسابقات بارها این پرسش مطرح شد که آیا فوتبال همچنان در اولویت قرار دارد یا منافع اقتصادی و سیاسی جای آن را گرفته است؟ فیفا در پاسخ به این انتقادها سکوت کرد، اما حجم اعتراض‌ها نشان داد بخشی از اعتماد عمومی به این سازمان از بین رفته است.

مراکش: پرچمدار آفریقا

اگر قرار باشد از موفق‌ترین تیم آفریقای جام جهانی نام ببریم، باز هم باید سراغ مراکش برویم. شیرهای اطلس چهار سال پس از شکستی قطر بار دیگر تا مراحل پایانی پیش رفتند و نشان دادند موفقیت قبلی‌شان اتفاق نبوده است. مراکش اکنون نه تنها قدرت اول آفریقا، بلکه یکی از قدرت‌های نوظهور فوتبال جهان محسوب می‌شود.

**رونالدو: پایان یک دوران**

در سوی دیگر، کریستیانو رونالدو یکی از بزرگ‌ترین بازندگان جام جهانی بود. ستاره پرتغالی در ۴۱ سالگی دیگر شباهتی به بازیکنی که سال‌ها جهان را تسخیر کرده بود نداشت. تحرک کم، تأثیرگذاری محدود و ناتوانی در رهبری پرتغال باعث شد حضورش بیش از آنکه مفید باشد، به تیم آسیب بزند. بسیاری معتقدند پرتغال می‌توانست بدون وابستگی به رونالدو تیمی موفق‌تر باشد. مشکل اصلی ناکامی رونالدو، حذف پرتغال نبود؛ بلکه این بود که تصویری که او در ذهن هواداران باقی ماند، با عظمت سال‌های اوچش فاصله زیادی داشت.



جامی که یک نسل را تغییر داد
سال‌ها بعد وقتی از جام جهانی ۲۰۲۶ یاد شود، احتمالاً بیشتر از قهرمانی اسپانیا درباره اتفاقات دیگری صحبت خواهد شد: درباره آخرین شاهکارهای مسی، رکوردشکنی امپایه، ظهور یامال و هالند، اشک‌های رونالدو و نیمار، شکستی کپی‌دور، مقاومت ایران و جنجال‌های VAR و فیفا. این جام جهانی بیش از هر چیز نقطه پایان یک نسل و آغاز نسل دیگری بود. نسلی که در آن نام‌هایی مانند یامال، بلینگهام، هالند و امپایه قرار است سال‌های آینده فوتبال جهان را شکل دهند. اسطوره‌هایی مانند مسی، رونالدو و نیمار آرام‌آرام از صحنه کنار می‌روند و ستاره‌های تازه جای آنها را می‌گیرند. به همین دلیل جام جهانی ۲۰۲۶ فقط یک تورنمنت فوتبالی نبود؛ روایتی از گذر زمان در بزرگ‌ترین صحنه فوتبال جهان بود؛ جایی که برخی جاودانه شدند، برخی سقوط کردند و برخی تازه سفر خود را آغاز کردند.

فوتبال آسیا

یک کام به عقب
جام جهانی ۲۰۲۶ برای فوتبال آسیا ناامیدکننده بود. از میان نمایندگان قاره، تنها ژاپن و استرالیا از مرحله گروهی عبور کردند و آنها نیز بلافاصله حذف شدند. کره جنوبی، عربستان، قطر، عراق، اردن و ازبکستان نتوانستند انتظارات را برآورده کنند و همین موضوع بار دیگر بحث کیفیت سهمیه‌های آسیا را مطرح کرد.



کوپین کیگان؛ داستان یک اسطوره و فراتر از یک فریاد معروف

همه چیز به جز پایان خوش!

گزارش ویژه

ایمان کودریز

خیرنگار

کوپین کیگان، سرمربی سابق تیم ملی انگلیس، شاید برای بسیاری از هواداران فوتبال با جمله معروف «عاشقش می‌شوم» در سال ۱۹۹۶ به یاد آورده شود؛ همان فریاد احساسی در پاسخ به اظهارات الکس فرگوسن که سال‌هاست در تاریخ لیگ برتر ماندگار شده است. اما این لحظه هرگز نباید سایه‌ای بر یکی از درخشان‌ترین و متفاوت‌ترین دوران‌های حرفه‌ای فوتبال انگلیس بیندازد. کیگان که در ۷۵ سالگی از دنیا رفت، تنها

بازیکن بریتانیایی تاریخ است که دو بار توپ طلا را به دست آورده است. او ستاره اولین تیم لیورپول بود که قهرمان جام باشگاه‌های اروپا شد، در نیوکاسل یونایتد به یک چهره فراتر از فوتبال تبدیل شد، چه به عنوان بازیکن و چه به عنوان مربی، تیمی ساخت که اقتدر تأثیرگذار بود که رئیس فیفا برای تمجید از عملکردش نامه نوشت. او همچنین بازوبند کاپیتانی انگلیس را بر بازو بست و بعدها هدایت سه‌شیرها را برعهده گرفت.

با این حال، خود کیگان همیشه نگران بود که بخش بزرگی از مردم، او را نه به خاطر به این افتخارات، بلکه به خاطر یک لحظه احساسی به یاد بیاورند؛ مصاحبه‌ای تلویزیونی که در آوریل ۱۹۹۶ انجام شد و شاید یکی از نخستین نشانه‌های ورود فوتبال به عصر فروخته می شوند.»

کیگان می‌گفت با این تصویر ساخته‌شده از خودش کنار آمده است: شاید به این دلیل که پیش از هر فوتبالیست انگلیسی پیش از خودش، توانسته بود از فرصت‌های تجاری و رسانه‌ای فوتبال استفاده کند و در مقابل، هزینه‌های شهرت را هم بپردازد. در واقع، حتی پیش از آن مصاحبه تاریخی، بسیاری از مردم در دهه ۷۰ میلادی او را نه فقط به خاطر فوتبالش، بلکه به خاطر یکی از عجیب‌ترین لحظات تلویزیونی دورانش می شناختند.

در برنامه «سوپراستارز»، رقابتی که ورزشکاران رشته‌های مختلف را در مسابقاتی خارج از تخصص اصلی‌شان مقابل یکدیگر قرار می‌داد، کیگان در یک مسابقه دوچرخه‌سواری دچار حادثه‌ای شدید شد. او با شدت به زمین خورد، بدنش

از کارگر کارخانه تا پادشاه فوتبال اروپا

صعود کوپین کیگان به قله فوتبال جهان، داستانی بود که شاید هیچ‌کس در سال‌های ابتدایی زندگی‌اش نمی‌توانست پیش‌بینی کند. بسیاری از استعداد‌های فوتبال، او را در همان ابتدا جدی نگرفتند و بیشتر منتقدان معتقد بودند که شرایط فیزیکی‌اش برای رسیدن به بالاترین سطح کافی نیست.

اما کیگان همیشه معتقد بود در مسیر موفقیت، پیش از هر کسی مدیون دو نفر است: بیل شنکلی، سرمربی افسانه‌ای لیورپول و خواهر مری الیور، مربی‌های که تیم فوتبال مدرسه ابتدایی کاتولیک او را هدایت می‌کرد.

خواهر مری الیور، با همان صلبیتی که همیشه به گردن داشت، یکی از نخستین کسانی بود که به استعداد کیگان باور کرد. او در گزارش مدرسه درباره این پسر نوجوان نوشت: «فوتبال کوپین باید مورد توجه و تشویق قرار بگیرد.» جمله‌ای ساده که برای کیگان نوجوان اعتمادبه‌نفسی بزرگ به همراه داشت.

اما مسیر او آسان نبود. دانشکتر روزور او را انپذیرفت و در ۱۶ سالگی مجبور شد در کارخانه پلکزر براس ورکر مشغول به کار شود. او در کنار کار، برای تیم فوتبال کارخانه بازی می‌کرد؛ البته نه در تیم اصلی، بلکه در تیم ذخیره.

در روزهای تعطیل هم برای یک تیم محلی بازی می‌کرد؛ همان‌جا بود که سرزنشش تغییر کرد. در یکی از مسابقات، مقابل تیمی بازی کرد که باب نلیس، استعدادیاب اسکاتلورپ یونایتد، آنجا حضور داشت. نلیس، چیزی در این بازیکن جوان دید و به او فرصت آزمایش در باشگاه دسته سومی آن زمان را داد. کیگان بعدها خودش را با عباراتی عجیب توصیف می‌کرد: دورگه، راسو و حتی کم‌استعدادترین برنده توپ طلا. او همیشه اعتقاد داشت بازیکنانی با استعداد فنی بیشتر از او وجود داشتند، اما چیزی که او داشت، ترکیبی از اراده، جنگندگی و هوش فوتبالی بود.

حتی وقتی در اسکاتلورپ درخشید، انتقالش به لیورپول همچنان یک شگفتی بزرگ بود. وقتی بیل شنکلی، مردی که کیگان او را پدر دوم خود می‌دانست، او را به آفیلد برد، بسیاری تعجب کردند. اما شنکلی از همان ابتدا چیزی را دید که دیگران ندیده بودند. او به کیگان گفت: «تو فقط یک بازیکن بزرگ نیستی؛ تو یکی از بازیکنان بزرگ هستی.» می‌رسید، اما کیگان خیلی زود ثابت کرد شنکلی اشتباه نکرده است. او در اولین بازی خود برای لیورپول گل زد و خیلی زود به یکی از مهره‌های اصلی تیم تبدیل شد؛ بازیکنی که دیگر کنار گذاشتنش غیرممکن بود.

کیگان علاوه بر مهارت‌های فوتبالی، بخشی از ویژگی‌های انگیزشی شنکلی را هم به ارث برد. او فقط بازیکن نبود؛ او توانایی ایجاد انرژی و باور در اطرافیانش را داشت.

عنوان یکی از ماندگارترین لحظات تاریخ لیگ برتر انتخاب می‌شود؛ لحظه‌ای که آغاز دوره‌ای بود که شخصیت‌ها، داستان‌ها و تصاویر کوتاه تلویزیونی به اندازه خود مسابقات اهمیت پیدا کردند.

اما خطر اینجاست که زندگی کوپین کیگان را به مجموعه‌ای از لحظات احساسی و فوران‌های شخصیتی خلاصه کنیم. او البته لحظات جنجالی دیگری هم داشت؛ از درگیری فیزیکی با بیلی برمنر، اسطوره لیدز یونایتد، در جام خریه ۱۹۷۴ گرفته تا واکنش‌های پرشور روی نیمکت و کنار زمین.

اما تقلیل دادن کیگان به این لحظات، نادیده گرفتن بزرگی واقعی اوست. او شاید کاریزماتیک‌ترین فوتبالیست انگلیسی دوران مدرن بود؛ بازیکنی که از نظرییان و حضور

رو می‌سپیر کشیده شد و پوستش از تماس با شن‌ها زخمی و خون‌آلود شد.

اما چیزی که بسیاری فراموش کردند، واکنش او پس از این اتفاق بود. کیگان با وجود جراحت، دوباره سوار دوچرخه شد؛ زخمی، بانداژشده و مصمم. او در مسابقه تکراری پیروز شد و در نهایت کل رقابت را نیز فتح کرد.

این همان ویژگی‌ای بود که در تمام دوران فوتبالش دیده می‌شد؛ روحیه‌ای که باعث شد از یک پسر کارگر در یورکشایر به یکی از بزرگترین چهره‌های تاریخ فوتبال انگلیس تبدیل شود.

کیگان در روستای آرمژورپ در نزدیکی دونکاستر، در خانواده‌ای کارگری متولد شد. پدرش، جو، یک معدنچی قدیمی اهل دوره‌ام بود که برای پیدا کردن کار به جنوب آمده بود و در معدن مارکهام مشغول شد.

ستاره‌ای که از شهرت فرار نمی‌کرد

با وجود اینکه کیگان شخصیتی آرام و گاهی درون‌گرا داشت، یک وجه کاملاً متفاوت هم در وجودش بود؛ او از دیده شدن لذت می‌برد و از فرصت‌های تجاری و رسانه‌ای دوران فوتبالش استقبال می‌کرد. او یکی از نخستین فوتبالیست‌هایی بود که مرز میان ستاره فوتبال و چهره عمومی را شکست. از تبلیغ معروف بروت گرفته تا حضور در برنامه تاپ آف د پاپس؛ جایی که ترانه او با نام Head Over Heels in Love وارد جدول ۴۰آهنگ برتر شد. اما حتی در اوج شهرت هم، بعضی ویژگی‌های ظاهری‌اش در فوتبال دهه ۷۰ به موضوع شوخی تبدیل می‌شد. موهای فر معروف او که بعدها به نماد شخصیتش تبدیل شد، حتی در رختکن قدیمی لیورپول هم سوژه بود. همسرش جین که در مسابقات اسپدونای سنت لجر دانشکتر، زمانی که کیگان ۱۹ ساله و خودش ۱۶ ساله بود، با او آشنا شد، اولین کار که آن مدل‌مورا دید، از خنده منفجر شد.

اما در نهایت همین مدل مو تبدیل به یکی از ماندگارترین نشانه‌های فوتبال دهه ۷۰ شد و نسخه‌های تقلیدی آن در سراسر جهان فوتبال دیده شد.

مردی که مسیر نقل وانتقالات را تغییر داد

یکی از جنبه‌های کمتر دیده‌شده در کارنامه کیگان، نقش او در تغییر فرهنگ نقل وانتقالات فوتبال انگلیس بود. بنوانند او را جذب کند. این اتفاق به کیگان کنترل کرد؛ موضوعی که در فوتبال انگلیس آن زمان تقریباً بی‌سابقه بود.

هم در لیورپول و هم در هامبورگ، قرارداد او شامل بندی بود که اجازه می‌داد اگر باشگاهی مبلغ ۵۰۰ هزار پوند پرداخت کند، بتواند او را جذب کند. این اتفاق به کیگان کنترل بیشتری روی آینده حرفه‌ای‌اش می‌داد. تصمیم او برای ترک لیورپول در اوج موفقیت، نمونه‌ای از شخصیت متفاوتش بود. او تازه به لیورپول کمک کرده بود نخستین جام باشگاه‌های اروپا در تاریخ این باشگاه را در سال ۱۹۷۷ فتح کند، اما تصمیم گرفت آفیلد را ترک کند و راهی هامبورگ شود؛ تیمی که در آن زمان تنها رتبه ششم بوندس لیگا را داشت. برای بسیاری این تصمیم عجیب بود، اما برای کیگان یک چالش جدید محسوب می‌شد. او نه‌تنها خودش را از نظر فوتبالی آزمایش کرد، بلکه از نظر مالی نیز شرایطش را تغییر داد؛ دستمزدی که در هامبورگ دریافت کرد، تقریباً چهار برابر قراردادش در لیورپول بود و نشان می‌داد فوتبال انگلیس در آن دوران هنوز از نظر اقتصادی فاصله زیادی با قدرت‌های اروپایی داشت. کوپین کیگان همیشه دنبال مسیر آسان نبود؛ او مردی بود که حتی در اوج موفقیت، به دنبال آزمون بعدی می‌گشت. همین روحیه، بخشی از چیزی بود که او را از یک ستاره بزرگ به یک اسطوره واقعی تبدیل کرد.

نیوکاسل: عشقی ابدی

در سال ۱۹۸۲، نیوکاسل یونایتد در یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخش قرار داشت؛ باشگاهی بحران‌زده که در دسته دوم فوتبال انگلیس بازی می‌کرد. اما حمایت مالی شرکت اسکاتیش اند نیوکاسل و ارتباط عاطفی کیگان با شمال شرق انگلیس، او را به این انتقال متقاعد کرد. پدرش، جو، اهل منطقه تاین ساید بود و کیگان همیشه احترام ویژه‌ای برای تاریخ و اسطوره‌های نیوکاسل، به‌خصوص جکی میلبرن، قائل بود. اما این تصمیم یک هزینه بزرگ داشت؛ دوران ملی او را به پایان رساند.

بابی رابسون، سرمربی وقت انگلیس، معتقد بود انتخاب بازیکنی از دسته دوم برای تیم ملی مناسب نیست. کیگان که همچنان کاپیتان و بزرگ‌ترین چهره تیم ملی محسوب می‌شد، نه با تماس مستقیم بلکه از طریق رسانه‌ها متوجه شد که دیگر جایی در برنامه‌های انگلیس ندارد.

او بعدها این اتفاق را با سه کلمه توصیف کرد: «خیانت، درد و تحقیر.»

خداحافظی عجیب یک ستاره

حضور کیگان در نیوکاسل یک انفجار بزرگ بود. تعداد هواداران در سنت جیمز پارک تقریباً دو برابر شد و در فصل ۸۴-۱۹۸۳، او تیم را به عنوان قهرمان به لیگ دسته اول رساند.

اما همان روحیه احساسی و تصمیم‌های ناگهانی که همیشه بخشی از شخصیت او بود، پایان دوران بازیگری‌اش را رقم زد. در یک مسابقه جام حذفی مقابل لیورپول، وقتی مارک لارنسون در یک صحنه توپ را از او گرفت و از کنارش عبور کرد، کیگان احساس کرد دیگر سرعت و توان گذشته را ندارد.

تصمیمش را گرفت: پایان فوتبال.

او در ۲۳ سالگی از بازی خداحافظی کرد.

کیگان همراه خانواده‌اش که حالا دختر دوشم سارا نیز به آنها اضافه شده بود، به ویلایی در ماریبارفت. مدتی از فوتبال فاصله گرفت، به تجارت پرداخت و حتی درباره ایده‌هایی مانند راه‌اندازی یک سیرک فوتبالی فکر کرد. اما زندگی بدون فوتبال برای او آسان نبود.

در سال ۱۹۹۲، سر جان هال، تاجر قدرتمند شمال شرق



اجتماعی، حتی از ستاره‌هایی مانند دیوید بکام و بیل گسکین هم تأثیرگذارتر بود. او همان قدر که در زمین می‌جنگید، در ارتباط با مردم و هم‌تیمی‌هایش انرژی ایجاد می‌کرد.

کیگان استعداد نادری در الهام بخشیدن داشت. بازیکنانی که با او کار کردند، بارها از توانایی‌اش برای ایجاد انگیزه و بالا بردن روحیه تیم صحبت کرده‌اند. او باعث می‌شد اطرافیانش احساس بهتری نسبت به خودشان پیدا کنند. کوپین کیگان فقط یک فوتبالیست بزرگ نبود؛ او یک شخصیت بود.

مردی که فوتبال را با احساس، شور و صداقت زندگی کرد؛ و شاید همین ویژگی بود که باعث شد حتی دهه‌ها بعد، هنوز مردم درباره او حرف بزنند.



ستاره‌ای بدون یک لحظه طلایی

نخستین تورنمنت بزرگ کیگان با انگلیس، جام ملت‌های اروپا ۱۹۸۰ بود؛ رقابتی که برای سه‌شیرها موفقیت‌آمیز نبود. اما داستان جام جهانی برای او تلخ‌تر شد.

حضور کیگان در جام جهانی ۱۹۸۲ تنها به حدود ۲۰ دقیقه بازی محدود شد. مصدومیت شدید کمر، بخش بزرگی از این تورنمنت را از او گرفت و خودش بعدها گفت: «تنها کمکی که کردم، از دست دادن یک موقعیت بسیار بد مقابل کشور میزبان بود که باعث شد ما به خانه برگردیم. احتمالاً این تنها لحظه از دوران ملی من است که مردم امروز به یاد می‌آورند.»

آن مسابقه، آخرین بازی کیگان برای انگلیس بود؛ بازیکنی که در تنها ۳۱ سالگی دوران ملی‌اش به پایان رسید.



اگر جای توخل و ناگلزمن بودید چه می گفتید؟

رزومه نداری، انتقاد نکن!

گزارش یک

محمد قراگزلو

خبرنگار

امیر قلعه‌نویی سه هفته بعد از بازگشت از مکزیک بالاخره در یک برنامه زنده تلویزیونی حاضر شد و نزدیک به سه ساعت درباره مشکلات و موانع و نکات فنی تیم ملی در جام جهانی حرف زد. بخش عمده صحبت های قلعه‌نویی در این برنامه واگویی مشکلات لجستیکی مربوط به آماده‌سازی، سفر به مکزیک و اذیت و آزارهایی بود که میزبان علیه تیم ایران انجام داد. نکاتی که دو روز قبل از آن نیز در نشست با اعضای کمیته فرهنگی فدراسیون تا حدود زیادی مطرح شده و تکراری بود.

امیر قلعه‌نویی نکات بسیاری در این برنامه مطرح کرد که می‌شود درباره تک تک‌شان با جزئیات و به صورت مفصل بحث کرد. از ماجرای پاداش صعود و توزیع آن بین بازیکنان و سرمربی گرفته تا تک تک نکات فنی مربوط به سه مسابقه تیم ایران. البته که این برنامه اصلاً تبدیل به یک برنامه چالشی برای سرمربی تیم ملی نشد. او از ابتدا خطاب خود را مردم ایران قرار داد و رو به دوربین با مردم صحبت کرد تا مشخص شود اساساً مجری برنامه قرار نیست با طرح سؤال‌های پرشمار و پیکنیکی، قلعه‌نویی را وارد چالش کند. اشاره او به مجری که «شما که همه اینها را می‌دانی و مردم باید خبردار شوند» نیز در همین راستا مطرح شد.

قلعه‌نویی در کمال آرامش و با اطلاع از موضوع برنامه‌ای که در آن حاضر شده بود در بیشتر جلسه سه ساعته متکلم‌وحده بود و نکات خود را بی‌کم و کاست مطرح کرد. در بسیاری از موارد نیز مجری برنامه با او همراهی و همذات‌پنداری کرد و نکاتش را پذیرفت و تنها در یکی دو مورد جزئی فنی حرف سرمربی را نپذیرفت تا فرم برنامه خیلی هم مصنوعی به نظر نرسد. به عبارتی در این سه ساعت، قلعه‌نویی تمام نکات مدنظر خود که بخش عمده از آنها تکراری بود را گفت و تشریح کرد بدون اینکه مقاومتی در پذیرش برخی از توجیهاتش به وجود بیاید. جالب اینکه از بین پرسش‌های پرشمار مردم نیز تنها سه چهار سؤال به صورت رندوم از سرمربی تیم ملی پرسیده شد که البته یکی دو تای آن باعث شد تا قلعه‌نویی کمی

عصبانی شود. اما جدا از روال این برنامه و توضیحات ناکافی قلعه‌نویی در توجیه دلایل ناکامی تیم ملی، او همچنان نپذیرفت که حذف شدن از جام جهانی حتی بدون شکست و دستاوردهایی که خودش روی آن تأکید دارد یک ناکامی ورزشی است و رسانه و کارشناس حق دارد تا به خاطراین ناکامی، عوامل رقم خوردن آن را با در نظر گرفتن تمام موانع و مشکلات نقد کند.

آنچه در این برنامه دوباره به شکل گل درشت در خصوص سرمربی تیم ملی بیرون زد و ثابت شد او نمی‌خواهد در این خصوص رویه‌اش را تغییر دهد، نحوه مواجهه‌اش با نقد و فضای انتقادی بود. قلعه‌نویی باز هم در این برنامه چندین بار به ماجرای



جدا از روال

این برنامه و

توضیحات

ناکافی

قلعه‌نویی در

توجیه دلایل

ناکامی تیم ملی

او همچنان

نپذیرفت که

حذف شدن

از جام جهانی

حتی بدون

شکست و

دستاوردهایی

که خودش

روی آن تأکید

دارد

یک ناکامی

ورزشی است

ورسائه و

کارشناس

حق دارد تا

به خاطراین

ناکامی

عوامل رقم

خوردن آن را

نقد کند

نقدهای بعد از جام ملت‌های ۲۰۰۷ اشاره کرد به شکلی که انکار آنچه در آن روزها بر وی گذشته بزرگترین کابوس زندگی ورزشی‌اش به شمار می‌آید و همین باعث شده نگاهش نسبت به رسانه‌های منتقد و افراد نقدکننده تغییر کند. در برنامه دوشنبه شب فوتبال برتر بار دیگر مشخص شد امیر قلعه‌نویی در ۶۳ سالگی و در برنامه دوشنبه شب فوتبال برتر بار دیگر مشخص شد امیر قلعه‌نویی در ۶۳ سالگی و در شرایطی که چهار سال و چهار ماه از دوران دوم سرمربیگری‌اش در تیم ملی می‌گذرد هنوز مقابل نقد و انتقاد گارد دارد و اصلاً این فضا را تاب نمی‌آورد. قلعه‌نویی در حالی منتقدانش را گلچین می‌کند که در فوتبال سطح اول دنیا مربیان بزرگی مثل توماس توخل یا یولین ناگلزمن قبل و حین تورنمنت، در کنفرانس

قبل و بعد از مسابقه و پس از تورنمنت مدام با نقدهای تند مواجه می‌شوند و البته غالباً حتی اگر خشمگین شوند دنبال پاسخی منطقی برای مخاطب خود هستند و خشم‌شان را فرو می‌خورند. جالب اینکه قلعه‌نویی مدام تأکید می‌کند که منتقدان باید صبر می‌کردند تا کار تیم ملی در تورنمنت تمام شود و بعد انتقاد کنند؛ مسأله اشتباهی که به غلط جا افتاده چرا که کافی است مثلاً رسانه‌های انگلیسی را مرور کنید و ببینید چطور تیمی که تا نیمه‌نهایی صعود کرده و در نهایت به رتبه سوم دست یافته در تمام طول مسابقات با نقدهای تند فنی و غیرفنی مواجه شده و می‌شود. حال با در نظر گرفتن فضای

غالب بر رسانه‌ها و نوع مواجهه‌شان با تیم ملی و سرمربی‌اش سؤال اینجاست که اگر قلعه‌نویی در جایگاه افرادی مثل توخل، ناگلزمن، دشان، اسکالونی، کومان یا هر کدام از این مربیانی که حذف شدند و استعفا دادند یا برکنار شدند، قرار می‌گرفت چه می‌گفت؟ جدا از این، سرمربی تیم ملی مدام به رزومه افراد منتقد اشاره می‌کند و همچنان معتقد است تنها افرادی مثل ابراهیم قاسمپور عزیز و بزرگان دیگر صحبت نکنند، پس از او و تصمیماتش انتقاد کنند و بقیه حق انتقاد ندارند. نکته‌ای که غیر قابل پذیرش و عجیب به نظر می‌رسد و بعید است مربی دیگری در فوتبال دنیا و در این سطح تکرارش کند.

قلعه‌نویی مدام می‌گوید قبل از جام جهانی فقط ۳ مربی و کارشناس در جلسه با او حاضر شدند و حین و بعد از جام جهانی هم دو سه کارشناس مثل مجید جلالی، بهتاش فریبا و فرشاد پیوس با او تماس داشتند اما نمی‌داند که ریشه این دور شدن از جامعه مربیان و کارشناسان را باید در افکار و رفتار خودش جست و جو کند. در واقع وقتی او منتقدانش را گلچین می‌کند و حرف همه را پذیرا نیست طبیعتاً دایره مشاورانش را تنگ‌تر و کوچک‌تر کرده و برعکس تعداد منتقدانش را بیشتر می‌کند و حتی اگر نقدهای ایشان اصولی و منطقی باشد نیز - درست مثل آنچه در مورد انتقاد حمید استیلی مطرح کرده - حاضر نیست آنها را بپذیرد.

عکس: قراگزلو/اسپور فوتبال

گزارش

اعتراف ناخواسته به یک اشتباه تاکتیکی؟

ساختار دفاعی بازی نیوزیلند مشکل داشت

امیر قلعه‌نویی مدام تأکید می‌کند که اشتباهات را می‌پذیرد و شاید هم اشتباه کرده باشد اما عملاً مقابل هر انتقاد فنی گارد می‌گیرد و توجیهاتی را مطرح می‌کند که غالباً قانع‌کننده نیست. یکی از این موارد مربوط به نکات فنی است که در بازی با نیوزیلند اتفاق افتاد و مسابقه‌ای که اگر با برد برای تیم ملی همراه می‌شد صعود از مرحله گروهی در دسترس به نظر می‌رسید.

با اینکه موارد زیادی درباره علل حذف تیم ملی از جام جهانی مطرح شده اما پرونده نخستین بازی تیم ما در این تورنمنت هنوز بسته نشده است. نه به خاطر نتیجه ۲-۲ مقابل نیوزیلند، بلکه به دلیل سندی که خود کادر فنی منتشر کرده است؛ گزارشی تحلیلی از عملکرد دفاعی ایران در سه مسابقه مرحله گروهی که شاید مهم‌ترین سؤال فنی پس از جام جهانی را دوباره زنده می‌کند. در یکی از اسلایدهای این گزارش جمله‌ای دیده می‌شود که بیش از هر نمودار و عددی جلب توجه می‌کند: «شکل دفاعی متفاوت در بازی اول، از عوامل مؤثر در دریافت دو گل مقابل نیوزیلند بود.»

شاید این جمله در نگاه اول یک توضیح فنی ساده به نظر برسد اما در واقع می‌تواند مهم‌ترین اعتراف کادر فنی درباره نخستین مسابقه ایران در جام جهانی باشد زیرا منشأ مشکل را نه اشتباه فردی، نه کیفیت حریف و نه بدشانسی، بلکه انتخاب یک ساختار تاکتیکی معرفی می‌کند؛ ساختاری که پیش از شروع مسابقه طراحی شده بود.

وقتی اعداد، داستان را کامل می‌کنند

اگر این جمله تنها بخش گزارش بود، شاید می‌شد آن را یک برداشت فنی معمولی دانست اما اسلاید منتشرشده به همین جا ختم نمی‌شود. کادر فنی برای اثبات ادعای خود، مجموعه‌ای از داده‌های آماری را نیز منتشر کرده که نشان می‌دهد بعد از بازی با نیوزیلند، ساختار دفاعی تیم ملی تغییر کرده است. طبق این آمار، میانگین ارتقاع خط دفاع ایران در دیدار نخست ۵۳ متر بوده است؛ عددی که در بازی دوم به ۴۵ متر و در دیدار سوم به ۳۹ متر کاهش پیدا کرده است. فاصله بین خطوط نیز از ۳۴ متر در بازی اول، به ۲۷ متر و سپس ۲۱ متر رسیده است. در توضیح اسلاید نیز آمده که این تغییرات باعث کنترل بهتر فضای میانی، کاهش فضای پشت مدافعان، کاهش ضدحمله‌ات حریف و بهبود عملکرد دفاعی شده است.

به زبان ساده، خود کادر فنی می‌گوید هرچه تیم فشرده‌تر بازی کرده و خط دفاع عقب‌تر قرار گرفته، عملکرد دفاعی ایران هم بهتر شده است.

یک سؤال که نمی‌توان از کنار آن گذشت

همین جا مهم‌ترین پرسش شکل می‌گیرد: اگر این تغییرات توانسته ساختار دفاعی تیم را بهبود ببخشد، چرا از همان مسابقه نخست اجرا نشد؟ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که موضوع، یک تعویض یا تصمیم لحظه‌ای کنار زمین نیست. ارتقاع خط دفاع، فاصله خطوط و نحوه استقرار تیم، بخشی از مدل بازی هستند؛ تصمیم‌هایی که معمولاً روزها و حتی هفته‌ها پیش از مسابقه، در جلسات فنی و تمرینات طراحی و مرور می‌شوند. به همین دلیل، اسلاید منتشرشده این تصور را ایجاد می‌کند که کادر فنی پس از بازی با نیوزیلند به این جمع‌بندی رسیده که ساختار دفاعی اولیه نیاز به اصلاح داشته است.

جام جهانی، جای آزمون و خطا نیست

البته هر کادر فنی حق دارد در طول یک تورنمنت، تیمش را اصلاح کند. حتی بزرگ‌ترین مربیان دنیا نیز بعد از هر مسابقه، با توجه به شرایط بازی و ویژگی‌های حریف، تغییراتی در سیستم خود ایجاد می‌کنند اما تفاوت جام جهانی با مسابقات عادی در فرصت محدود آن است. در رقابتی که تنها سه مسابقه برای تعیین سرنوشت یک تیم وجود دارد، هر تصمیم اشتباه می‌تواند بهای سنگینی داشته باشد. به همین دلیل، تیم‌ها تلاش می‌کنند با کامل‌ترین نسخه تاکتیکی خود وارد اولین مسابقه شوند، نه اینکه پس از از دست دادن امتیاز، تازه به اصلاح ساختار دفاعی برسند. اگر استقلال منتشرشده از سوی کادر فنی را بپذیریم، این سؤال طبیعی‌تر هم می‌شود: آیا ایران نخستین مسابقه جام جهانی را با ساختاری آغاز کرد که بعدها خود کادر فنی به ناکارآمدی نسبی آن رسید؟

سوآلی که هنوز پاسخ روشنی ندارد

شاید هیچ‌وقت نتوان با قطعیت گفت اگر ایران از همان ابتدا با خط دفاع پایین‌تر و فاصله خطوط کمتر بازی می‌کرد، نتیجه دیدار مقابل نیوزیلند تغییر می‌کرد یا نه چرا که فوتبال، بازی «اگرها» نیست اما اسلاید منتشرشده توسط خود کادر فنی، یک واقعیت را روشن می‌کند: کادر فنی پس از بازی اول، ساختار دفاعی تیم را تغییر داده و معتقد است همین تغییرات باعث بهبود عملکرد دفاعی شده است.

همین گزارش کافی است تا نخستین تصمیم تاکتیکی ایران در جام جهانی دوباره زیر ذره‌بین برود: نه برای باز کردن پرونده‌ای قدیمی، بلکه برای پاسخ به این پرسش که آیا تیم ملی در حساس‌ترین تورنمنت فوتبال جهان، اولین گام خود را با بهترین نسخه ممکن برداشت یا نسخه‌ای که تنها بعد از ۹۰ دقیقه، نیاز به بازنویسی پیدا کرد؟

صعود می‌کرد اما به هردلیلی صعود نکرد. مگر نمی‌گویند مرد روزهای سخت هستی پس چه شد؟ بازی با افکار عمومی آزادهنده است. قلعه‌نویی باید بزرگان را جمع کند و انتقادات را بشنود. اگر این کار را نکند، به بیراهه می‌رود. باید بررسی کند چرا ۱۲، ۱۳ سال است که دیگر جام نمی‌آورد؟ باید این موضوع را بپذیرد اما نمی‌پذیرد. او باید اشتباهاتش را بپذیرد وگرنه در جام ملت‌ها هم همین آش و همین کاسه خواهد شد. برای قلعه‌نویی و تیم ملی ما زشت است که یارکشی کنند. هیچ کس منکر دین و مرزهای مقدس این مملکت نیست. اگر کسی انتقاد دارد، خائن و وطن‌فروش نیست. بس کنید این حرف‌ها را. به شخصه در جنگ ششت ساله ۱۴ ساله بودم که جبهه رفتم و الان هم اگر پایش بیفتد نه فقط من که همه اسلحه دست خواهیم گرفت اما اینکه از اینگونه مسائل سوءاستفاده کنند، زببنده نیست. قلعه‌نویی اگر خودش باشد در جام ملت‌ها تا فینال می‌رویم در غیر این صورت، تیم ملی باز هم اوت خواهد شد.

من احترام می‌گذارم و دوستش هم دارم اما این مدل صحبت کردن فقط نشانه ضعف است. فنی جواب مردم و منتقدان را بدهید که زیپ دهان من بسته شود. اگر امثال خداداد عزیز و بزرگان دیگر صحبت نکنند، پس چه کسی باید صحبت کند؟ فوتبال چه ربطی به دین و آیین و سیاست دارد؟ می‌خواهید یارکشی کنید؟ من به عنوان یک طرفدار از صحبت‌های ایشان ناراحت شدم. درباره مصدومیت چشمی واکرت هم این گونه عنوان کرد که اگر به عقب برگردد باز هم این دو بازیکن مصدوم را به جام جهانی می‌برد. این اصرار بر اشتباه از کجا می‌آید؟

می‌گویند می‌دانستیم روزه ممکن است به دو، سه بازی اول نرسد و او را برای بازی مرحله بعد در لیست نه داشتیم. این موضوع دو نکته دارد: اول اینکه پس شما برنامه‌ریزی برای صعود به مرحله بعد داشتی اما موفق نشدی. همچنین، چطور ممکن است بازیکنی را که به دلیل مصدومیت در سه بازی ابتدایی غایب بوده را بخواهید در بازی چهارم فیکر کنید؟ اینقدر از دنیس درگاهی تعریف و تمجید کردند اما یک دقیقه هم بازی نکرد. اگر مصدوم شده باید خط می‌خورد و بازیکن دیگری را به جای او به جام جهانی می‌برند.

قلعه‌نویی همچنان زیر بار جوانگرایی نرفت و باز هم جمله همیشگی‌اش را تکرار کرد: «جوانگرایی با تغییر نسل متفاوت است». سؤال من این است که فریق جوانگرایی با تغییر نسل چیست؟ ایشان می‌گویند نمی‌شود جوانگرایی کرد و باید نسل عوض کرد. اما من متوجه نمی‌شوم منظورش چیست. دقیقاً می‌خواهید نسل را چکار کنید. این چیز که می‌گویند را هوش مصنوعی هم نمی‌فهمد. در کل مصاحبه خوبی نبود. اگر قصد دارید عملکرد یک تیم را آنالیز کنید حداقل باید یک منتقد هم حضور داشته باشد. میثاقی همان دو، سه سؤال انتقادی را هم که می‌خواست بپرسد قیلش اجازه می‌گرفت و می‌گفت اگر ناراحت نمی‌شوید بپرس(با خنده). اصرار بر اشتباهات، تصمیم و شعار قلعه‌نویی است. این ادبیات و این طرز فکر آزادهنده است. با این فرمان تیم قلعه‌نویی در جام ملت‌ها دستاوردی خواهد داشت؟

امیر قلعه‌نویی باید بنشیند و با خودش فکر کند. او نباید بازیچه دست مشاورین و اطرافیانی باشد که به او آمار غلط می‌دهند و تضعیفش می‌کنند. تیم او باید در جام جهانی

اگر انتقادپذیر نباشد تیم ملی نابود می‌شود. توجیه الکی هم فقط تیم را به بیراهه می‌برد. نظراتان درباره صحبت‌های قلعه‌نویی در راستای نبود بازی‌های دوستانه و آمادگی در شرایط نامطلوب چیست؟ مگر بازیکنان در جبهه بودند یا شما را تیرباران کردند؟ قلعه‌نویی می‌گوید نیوزیلند بازی دوستانه با انگلیس داشت و ما نداشتیم. مگر نیوزیلند که با انگلیس بازی کرد به مرحله حذفی صعود کرد؟ تیم ملی در شرایط خوبی اردو داشته، زیر توپ و موشک که نبوده است. همیشه هم برای بازی‌های دوستانه مشکل داشته‌ایم و این اولین بار نیست که حالا فقط نبود بازی‌های تدارکاتی را بهانه می‌کنند. دوستان ادعا می‌کنند تیمشان باخت نداده است. بله درست است نیاختید اما اوت شدید. اسپانیا هم نیاخت اما قهرمان شد. فرق است بین نیاختن تا نیاختن. توجیه نکنید. می‌گویند رئیس فدراسیون در آمریکا نبوده مگر قرار بوده تاج تیم را رنج کند؟ فقط قرابروده پاداش دهد که به حسابتان واریز شده است.

قلعه‌نویی معتقد است اینتر کرده است که با ۳۰ میلیارد سرمربی تیم ملی شده است. از نظر شما اینتر کرده است؟! می‌گیرد؟

همینطور است. علاوه بر اسکالونی، انگلیس سوم شد اما مردم و رسانه‌های انگلیسی توخل را نابود کردند. من ۵۵ دقیقه تلفنی با قلعه‌نویی صحبت کردم و به او گفتم که اگر عبدالله ویسی از تو تعریف و تمجید کند حال می‌کنی، اما اگر این کار را بکنم خیانت است و گولت زده‌ام. آمار و ارقامی که درباره تیم ملی منتشر می‌شود، اصلاً صحیح نیست. می‌گویند تیم ملی ۷ پلن داشته اما عوض اینکه در برنامه زنده از این هفت پلن بگویند، از اردوهای پیش رو حرف می‌زنند. این پلن است؟ فکری می‌کنید مردم نمی‌فهمند؟ قلعه‌نویی به کرات منتقدان را زیر سؤال برد و حتی این ذهنیت به وجود آمده که هر کسی که به عملکرد تیم ملی انتقاد دارد خائن است!

سؤال من هم همین است که آیا هر کسی از تیم ملی انتقاد دارد، بی‌وطن است؟ این حرف، حرف امیر قلعه‌نویی نیست. متأسفانه با به کار بردن واژه‌هایی مثل وطن فروش،

آل مردم حتی طرفداران خودش را هم به در در کرده زنده قلعه‌نویی بسیار بد بود و این مدل ادبیات برازنده سرمربی تیم ملی نبود. باز هم می‌گویم من طرفدار قلعه‌نویی هستم و باید تا جام ملت‌ها سرمربی بماند اما

با افکار عمومی بازی نکنید، جواب مردم را فنی بدهید

ویسی: قلعه‌نویی ۱۳ سال جام نیاورد

هیچ کدام از منتقدان تیم ملی وطن فروش و خائن نیستند

فائزه نمانی

خبرنگار

سرمربی تیم ملی بعد از مدت‌ها سکوت در برنامه زنده حاضر شد تا جواب انتقادها را داده و از عملکردش دفاع کند، اما هر پاسخ او یک سؤال تازه ساخت؛ از ماجرای پاداش ۱۴۰ میلیاردی که با سر بالان را به خود منتسب کرد، تا توجیه‌های بحث‌برانگیز درباره فهرست تیم، جوانگرایی، سفرهای طولانی و حتی پیوند زدن انتقادهای فوتبالی به موضوعاتی خارج از زمین. حالا عبدالله ویسی در گفت‌وگویی صریح، معتقد است مشکل اصلی تیم ملی نه نتایج، بلکه اصرار سرمربی بر نپذیرفتن اشتباهات است؛ مسیری که اگر اصلاح نشود، به اعتقاد او در جام ملت‌ها هم سرنوشت تیم ملی در جام جهانی تکرار خواهد شد.

سه ساعت صحبت قلعه‌نویی در آتن زنده آورده‌ای چه داشت؟

قبیل از هر چیز باید بگویم متأسفم که بزرگان فوتبال این مملکت این گونه به جان هم افتاده‌اند. از یک انتقاد ساده کوه می‌سازند و وارد زندگی شخصی افراد می‌شوند. یکی به ساعت این گیری می‌دهد، دیگری به گردنبدن آن می‌برد. این موضوعات برای فوتبال ما زشت است. پیشکسوتان فوتبال دنیا را با اینجا مقایسه کنید. بزرگان فوتبال اسپانیا با همدلی بی‌ظنیری بازی تیم کشورشان را تماشا می‌کنند و وقتی گل می‌زند آنگونه خوشحالی می‌کنند اما اینجا نه تنها پیشکسوتان را به همراه خود نمی‌برند، بلکه دشمن تراشی هم می‌کنند. تازه طلبکار هم هستند. ۱۵ روز پیش گفتم که یک میزگرد شامل رسول قربکندی، محمد مایلی‌کی، فیروز کریمی، حسین فرکی و هر کسی را که قبول دارید تشکیل دهید، صحبت کنید و ایرادات را برطرف کنید. من معتقدم قلعه‌نویی باید سرمربی بماند اما اگر انتقادپذیر نباشد و منتقدین را بگوید، در جام ملت‌ها هم همین آش و همین کاسه می‌شود. اگر اتمانل من حرف زنند، پس چه کسی باید راجع به فوتبال این مملکت حرف بزند؟ قلعه‌نویی مشاوران خوبی ندارد و تا این افراد دورش باشند، بهتر از این نمی‌شود. قلعه‌نویی موافقتش را مسلمان واقعی خطاب کرد و منتقدان را عاملین بخل و حسادت.

انتقاد بخل و حسادت نیست. انتقادها به



ایران ورزشی

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جواد
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۳۳ نمابر: ۸۴۷۱۱۷۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۴۱۳۳ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۴۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

کارت قرمز پاردس در فینال جام جهانی بخشیده شد

فیفا تصمیم گرفت کارت قرمز لئاندرو پاردس، هافبک آرژانتین، در پایان فینال جام جهانی ۲۰۲۶ مقابل اسپانیا را لغو کند. طبق گزارش دیل جانسون از بی‌بی‌سی اسپورت، اخراج این بازیکن ۲۱ ساله به‌طور کامل بخشیده شده و هیچ محرومیت یا جریمه دیگری برای او در نظر گرفته نمی‌شود.

این اتفاق پس از پایان دیدار آرژانتین و اسپانیا رخ داد: زمانی که در زمین درگیری به وجود آمد، نائوئل مولینا، مدافع آرژانتین، هنگام عبور با رودری، کاپیتان اسپانیا، برخوردی داشت که باعث آغاز درگیری شد.

در ادامه بازیکنان دو تیم وارد ماجرا شدند و پاردس ابتدا گردن اریک گارسیا، مدافع اسپانیا را گرفت و سپس با گاوکی که برای دفاع از هم‌تیمی خود وارد شده بود، درگیر شد. داور نژبه همین دلیل او را از زمین اخراج کرد.

اسپانیا در مسیر رسیدن به قهرمانی، اتریش را ۳-۰ شکست داد، پرتغال را با نتیجه ۰-۱ کنار زد، بلژیک را ۱-۲ برد و در نیمه‌نهایی با نتیجه ۰-۲ فرانسه را شکست داد.

آرژانتین نیز برای رسیدن به فینال، از سد کپ‌ورد (۲-۲)، مصر (۲-۳)، سوئیس (۱-۳) و انگلیس (۱-۲) عبور کرد. جام جهانی ۲۰۲۶ از ۱۱ ژوئن تا ۱۹ جولای به میزبانی کانادا، آمریکا و مکزیک برگزار شد.



اورلاندو گیل اپاراگوئه

پاراگوئه در جام جهانی ۲۰۲۶ با فوتبالی محتاطانه اما مؤثر پیش رفت و یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت این تیم، درخشش اورلاندو گیل درون دروازه بود. گیل با تجربه‌ای اندک با به این مسابقات گذاشت. او پیش از جام جهانی تنها یک بازی رسمی برای تیم ملی اپاراگوئه انجام داده بود و پنج مسابقه دیگرش در دیدارهای دوستانه بود. با این حال، عملکرد درخشانش باعث شد خیلی زود به یکی از محبوب‌ترین بازیکنان تیم تبدیل شود.

دروازه‌بان ۲۶ ساله اپاراگوئه با ۲۳ مهار، بیشترین سیو را در میان تمام گلرهای حاضر در جام جهانی به ثبت رساند. از این تعداد، ۱۵ مهار از داخل محوطه جریمه بود که او را در کنار گرگور کوپل (۲ سیو روم در صدر این آمار قرار داد. اگرچه سبک دفاعی اپاراگوئه باعث می‌شد گیل با شوت‌های بیشتری روبه‌رو شود، اما او با ۷۸.۶ درصد مهار شوت‌ها عملکردی فراتر از بسیاری از دروازه‌بانان بزرگ تورنمنت داشت. تنها شش گلر (با حداقل سه بازی) درصد مهار بهتری ثبت کردند و نام‌هایی مانند آلسیون، امیلیانو مارتینس و تیبو کورتوا پایین‌تر از او قرار گرفتند.

درخشش گیل نقش مهمی در کلین‌شیت‌های اپاراگوئه برابر ترکیه و استرالیا در مرحله گروهی داشت، اما اوج نمایش این گلر در مرحله حذفی رقم خورد.

او در دیدار تاریخی برابر آلمان، یکی از بزرگترین شگفتی‌های جام جهانی را رقم زد. گیل در طول ۱۲۰ دقیقه شش مهار انجام داد و سپس در ضربات پنالتی، با مهار ضربات کای هاورتس و نیک وولتماده، اپاراگوئه را به مرحله یک‌هشتم نهایی رساند.

اورلاندو گیل، جام جهانی ۲۰۲۶ را در حالی ترک کرد که اعتبارش به شکل چشمگیری افزایش یافته و حالا بسیاری او را یکی از دروازه‌بانان آینده‌دار فوتبال آمریکای جنوبی می‌دانند.

فوق ستاره‌هایی مانند کیلیان امباپه، ارلینگ هالند، لیونل مسی و جود بلینگام معطوف بود، اما این جام جهانی سکوی پرتاب بسیاری از استعدادهای کمتر شناخته‌شده نیز شد؛ بازیکنانی که با نمایش‌های چشمگیر خود، ارزششان را به شکل محسوسی افزایش دادند و حالا می‌توانند در پنجره نقل‌وانتقالات تابستانی مقصد تیم‌های بزرگ اروپا باشند.

در ادامه، نگاهی خواهیم داشت به شش بازیکنی که بیش از همه به عنوان پدیده‌ها و ستاره‌های نوظهور جام جهانی ۲۰۲۶ خود را معرفی کردند و حالا نگاه باشگاه‌های مطرح را به خود جلب کرده‌اند.



کیوتو ناکامورا اژاپن

عملکرد درخشان کیوتو ناکامورا در جام جهانی ۲۰۲۶ باعث شد بسیاری معتقد باشند او دیگر فصل آینده را در لیگ دسته دوم فرانسه سپری نخواهد کرد. با غیبت کانورو میئوما، ناکامورا فرصت پیدا کرد تا جای خالی او را در سمت چپ خط حمله ژاپن پر کند و به بهترین شکل از این فرصت استفاده کرد.

وینگر سرعتی ژاپن با حرکات انفجاری، درهیل‌های مستقیم و جسارت در نبردهای یک‌به‌یک، بارها مدافعان حریف را به دردسر انداخت. او نخستین گل ژاپن در جام جهانی را در تساوی ۲ بر ۲ مقابل هلند به ثمر رساند؛ ضربه‌ای دقیق از پشت محوطه جریمه که به گوشه پایین دروازه نشست.

ناکامورا در دیدار برابر تونس نیز نقش مهمی در گل نخست تیمش داشت. او پس از عبور از مدافع مستقیم خود، شش گلر (با حداقل سه بازی) درصد مقابل دروازه فرستاد تا زمینه‌ساز گل ژاپن شود.

در مرحله گروهی، این بازیکن ۵ دریل موفق از ۷ تلاش ثبت کرد و با ۹ مشارکت در خلق موقعیت شوت (۵ شوت و ۴ موقعیت خلق‌شده)، در میان وینگرها و مدافعان کناری هجومی، پنجمین آمار برتر مسابقات را به نام خود ثبت کرد.

اگرچه ناکامورا در شکست ۲ بر ۱ ژاپن برابر برزیل در مرحله یک‌سی‌دوم نهایی توانست نمایش همیشگی خود را تکرار کند، اما عملکرد ضعیف‌تر گل تیم باعث شد این افت چندان به چشم نیاید.

نمایش‌های او در جام جهانی توجه باشگاه‌های بزرگ اروپایی، به‌ویژه چند تیم لیگ برتری انگلیس را جلب کرده و به نظر می‌رسد ناکامورا پس از این تورنمنت، آماده برداشتن گام بعدی در دوران حرفه‌ای خود باشد.

گزارش ویژه

مجتبی حسین مرشدی

خبرنگار

جام جهانی ۲۰۲۶ پس از ۳۹ روز رقابت و برگزاری ۱۰۴ مسابقه به پایان رسید؛ تورنمنتی که در نهایت با قهرمانی اسپانیا به پایان رسید؛ همان نتیجه‌ای که ابرایانه اپتا پیش از آغاز مسابقات پیش‌بینی کرده بود.

اگرچه بخش زیادی از توجه‌ها به درخشش



پدرو ویت ا اکوادور

اکوادور اگرچه در جام جهانی ۲۰۲۶ تنها تا مرحله یک‌سی‌دوم نهایی پیش رفت، اما نمایش‌های قابل قبولی ارائه داد و با پیروزی ارزشمند برابر آلمان، یکی از شگفتی‌های مرحله گروهی را رقم زد. در میان بازیکنان این تیم، پدرو ویت بیش از همه درخشید.

این هافبک ۲۴ ساله با اعتمادبه‌نفس بالا در مالکیت توپ، پاس‌های دقیق و دوندگی بی‌وقفه، یکی از مهره‌های کلیدی اکوادور بود و در هر دو فاز هجومی و دفاعی نقش پررنگی ایفا کرد.

پیش از آغاز مرحله حذفی، تنها چهار بازیکن بیشتر از او در جریان بازی موقعیت خلق کرده بودند؛ ویت با ۸ موقعیت ساخته‌شده، یکی از بهترین بازیسازان تورنمنت بود. او همچنین با ۱۴ تکل در رتبه سوم قرار داشت و در زمینه بازپس‌گیری توپ نیز با ۲۹ توپ‌گیری، تنها از گرانیت زاگا و رودریگو بنتانکور عقب‌تر بود. علاوه بر این، ۲۳۴ پاس صحیح او، پنجمین آمار برتر مسابقات در آن مقطع به شمار می‌رفت.

ویت با وجود اینکه تنها چهار مسابقه برای اکوادور انجام داد، در پایان جام جهانی ۱۵ تکل موفق ثبت کرد؛ آماری که فقط هشت هافبک از آن بهتر بودند و پنج نفر از آنها تعداد بازی بیشتری انجام داده بودند.

بهترین نمایش او در پیروزی تاریخی اکوادور مقابل آلمان رقم خورد؛ جایی که با ۱۱ دوتل موفق و ۹ تکل، بهترین بازیکن میدان از نظر آمارهای دفاعی بود.

نمایش‌های درخشان این هافبک باعث شده است چندین باشگاه اروپایی شرایط او را زیر نظر بگیرند. ویت با ۲۴ سالگی هنوز فرصت زیادی برای پیشرفت دارد و جام جهانی ۲۰۲۶ می‌تواند نقطه عطفی در مسیر حرفه‌ای او و سکوی پرتابش به فوتبال اروپا باشد.



ایوب بوعدی مراکش

ایوب بوعدی یکی از جدی‌ترین نامزدهای کسب عنوان بهترین بازیکن جوان جام جهانی ۲۰۲۶ بود. هافبک مراکش پیش از آغاز مسابقات چندان شناخته‌شده نبود، اما نمایش‌های درخشان در آمریکا شمالی، نام او را بر سر زبان‌ها انداخت.

این هافبک ۱۸ ساله در همان نخستین دیدار مراکش مقابل برزیل، مستقیماً در ترکیب اصلی قرار گرفت و با عملکردی کم‌نقص، نگاه‌ها را به خود جلب کرد. بوعدی با اعتمادبه‌نفس بالا توپ را به گردش درمی‌آورد و هافبک‌های برزیل را درصد دقت پاس، به دومین بازیکن او در آن مسابقه از ۶۶ پاس خود، ۶۰ پاس را با موفقیت به مقصد رساند تا با ۹۰.۷ درصد دقت پاس، به دومین بازیکن جوان تاریخ جام جهانی (از سال ۱۹۶۶) تبدیل شود که در یک مسابقه بیش از ۵۰ پاس صحیح ثبت کرده است؛ رکوردی که در سن ۱۸ سال و ۲۵۴ روزگی به دست آمد.

بوعدی در ادامه مسابقات نیز با توانایی بالایش در دریافت توپ، پیشروی با توپ و توزیع بازی، یکی از مهره‌های کلیدی مراکش بود. همین نمایش‌ها باعث شده باشگاه‌های بزرگ اروپایی برای جذب او صف بکشند و حتی گزارش‌هایی از علاقه جدی منچستر سیتی و آرسنل در حدود ۱۰۰ میلیون یورو برای این ستاره جوان منتشر شود.

او هافبکی است که هم در حمل توپ، هم در دریبل‌زنی و هم در بازیسازی کیفیت بالایی دارد و بسیاری معتقدند آینده فوتبال اروپا در انتظار این استعداد مراکشی است.

ارزش پوئرتا طی دو فصل اخیر، با درخشش در فصل سیتی و آرسنل سانتاندر، روندی صعودی داشته و نمایش‌های موفق او در جام جهانی ۲۰۲۶ نیز نشان داد این هافبک جوان همچنان در مسیر پیشرفت قرار دارد و می‌تواند به‌زودی راهی یکی از باشگاه‌های بزرگ فوتبال اروپا شود.

۶ ستاره نوظهور جام جهانی ۲۰۲۶

معدن طلا!



گوستاوو پوئرتا کلمبیا

گوستاوو پوئرتا که به تازگی نقش مهمی در صعود آرسنل سانتاندر به لالیگا پس از ۱۴ سال ایفا کرده بود، با وجود اینکه پیش از جام جهانی تنها شش بازی ملی در کارنامه داشت، به یکی از مهره‌های کلیدی تیم ملی کلمبیا تبدیل شد.

هافبک جوان کلمبیا در طول مسابقات نشان داد بازیکنی کامل و قابل اتکا است. او با ۹۲ درصد دقت پاس یکی از مطمئن‌ترین بازیکنان تیمش در حفظ مالکیت بود و ۸۸.۳ درصد پاس‌هایش در یک‌سوم هجومی به مقصد رسید؛ آماری که در هر دو بخش، او را در رتبه دوم کلمبیا قرار داد.

پوئرتا تنها در پاسکاری درخشان نبود. او با ۹۴ حمل توپ، پس از داوینسون سانچس (۱۲۵)، دومین بازیکن فعال کلمبیا در پیشروی با توپ بود. از این تعداد، هفت حمل توپ او به شوت یا خلق موقعیت منجر شد؛ آماری که از به‌خوبی نشان می‌دهد.

ارزش پوئرتا طی دو فصل اخیر، با درخشش در فصل سیتی و آرسنل سانتاندر، روندی صعودی داشته و نمایش‌های موفق او در جام جهانی ۲۰۲۶ نیز نشان داد این هافبک جوان همچنان در مسیر پیشرفت قرار دارد و می‌تواند به‌زودی راهی یکی از باشگاه‌های بزرگ فوتبال اروپا شود.



هیثم حسن امصر

شاید حضور هیثم حسن در جام جهانی ۲۰۲۶ تنها به ۱۲۶ دقیقه محدود شد، اما همین زمان کوتاه کافی بود تا نامش بر سر زبان‌ها بیفتد و خود را به عنوان یکی از پدیده‌های تورنمنت معرفی کند.

حسن ابتدا در دیدار مصر مقابل استرالیا از روی نیمکت به میدان آمد و سپس در نخستین حضورش در ترکیب اصلی، برابر آرژانتین یکی از بهترین بازیکنان زمین بود.

وینگر مصری با سبک بازی مستقیم، جسورانه و توانایی بالای دریبل‌زنی، بارها خط دفاع آرژانتین را به دردسر انداخت و به مهره‌ای خطرناک در سمت راست خط حمله مصر تبدیل شد.

یکی از درخشان‌ترین صحنه‌های بازی، حرکت انفرادی او از سمت راست بود که به گل مصطفی زیکو ختم شد؛ گلی که در نهایت مردود راست بود که به گل مصطفی زیکو ختم شد. با این حال، حسن خیلی زود دوباره کیفیت خود را نشان داد و پس از عبور از مدافع مستقیمش، با یک پاس دقیق زیکو را در موقعیت گل قرار داد تا این بار گل مصر به ثبت برسد.

خبر

اختلاف در تیم ملی آرژانتین بالا گرفت

کنایه لاتوئارو به اسکالونی

لاتوئارو مارتینز، مهاجم تیم ملی آرژانتین، دو روز پس از شکست این تیم برابر اسپانیا در فینال جام جهانی ۲۰۲۶، با انتشار پیامی در اینستاگرام به‌طور غیرمستقیم از تصمیم لیونل اسکالونی انتقاد کرد. مهاجم اینترکه در طول مسابقات بارها نقش تعیین‌کننده‌ای برای آلپی سلسسته ایفا کرده بود، در فینال حتی یک دقیقه هم فرصت حضور در میدان پیدا نکرد.

آرژانتین در وقت‌های اضافه با گل فران تورس مغلوب اسپانیا شد و یکی از تصمیمات بحث‌برانگیز اسکالونی، استفاده نکردن از لاتوئارو در تمام ۱۲۰ دقیقه مسابقه بود. این در حالی است که او در نیمه‌نهایی مقابل انگلیس گل صعود تیمش به فینال را به ثمر رسانده بود.

لاتوئارو در پیام خود نوشت: «به آرژانتینی بودنم افتخار می‌کنم. دوست داشتم فینال در زمین باشم و به تیم کمک کنم، اما قسمت این بود.»

همین جمله کافی بود تا بسیاری از هواداران و رسانه‌های آرژانتینی آن را کنایه‌ای آشکار به تصمیمات کادر فنی تلقی کنند. مهاجم ۲۸ ساله در این جام سه گل مهم به ثمر رساند و حالا غیبت کامل او در مهم‌ترین بازی تورنمنت به یکی از موضوعات داغ فوتبال آرژانتین تبدیل شده است.

خشم آرژانتینی‌ها

از انتخاب جنجالی کوکوریا

جشن قهرمانی اسپانیا در مادرید با حضور میلیون‌ها هوادار برگزار شد، اما یکی از اتفاقات این مراسم واکنش تند رسانه‌ها و هواداران آرژانتینی را به دنبال داشت. مارک کوکوریا، مدافع چپ لاروخا، هنگام ورود به صحنه جشن قهرمانی ترانه «مالیک» اثر دوکی و بیزارپ، دو هنرمند مشهور آرژانتینی را انتخاب کرد؛ اقدامی که در کشور نایب‌قهرمان جهان به عنوان کنایه‌ای به آرژانتین تعبیر شد.

بخشی از متن این ترانه به محبوبیت، موفقیت و قهرمانی اشاره دارد و رسانه‌های آرژانتینی معتقدند کوکوریا با انتخاب آن پس از شکست آرژانتین در فینال، قصد طعنه زدن به قیپ را داشته است. شبکه‌های ورزشی آرژانتین به‌ویژه TyC Sports این حرکت را بی‌احترامی به آلپی سلسسته توصیف کردند. علاوه بر این، نبری که در جریان جشن برای رویارویی احتمالی لئاندرو پاردس و گاوکی پس از درگیری‌های پایان فینال به نمایش درآمد نیز باعث ناراضی بسیاری از هواداران آرژانتینی شد. به نظر می‌رسد تنش‌های فینال جام جهانی حتی پس از پایان مسابقه نیز همچنان ادامه دارد.

ادای احترام احساسی گاو به مسی

گاو، هافبک جوان تیم ملی اسپانیا و بارسلونا، با انتشار پیامی کوتاه اما تأثیرگذار برای لیونل مسی، بار دیگر احترام عمیق خود را به اسطوره فوتبال آرژانتین نشان داد. پس از انتشار پیام مسی در اینستاگرام درباره شکست در فینال جام جهانی، گاو زیر پست او نوشت: «تو برای همیشه شماره یک هستی».

این جمله کوتاه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های اسپانیایی و آرژانتینی داشت. گاو که هرگز فرصت همبازی شدن با مسی در تیم اصلی بارسلونا را پیدا نکرد، همواره از او به عنوان الگوی فوتبالی خود یاد کرده است. بازیکنان اسپانیا پس از پایان فینال نیز با تشکیل توتل افتخار برای بازیکنان آرژانتین، به‌ویژه مسی، احترام ویژه‌ای قائل شدند. ستارگان بارسلونایی حاضر در ترکیب لاروخا از جمله گاو، پدري، لامین یامال و پائو کوبارسی نیز در این حرکت حضور داشتند.

با وجود رقابت سخت در فینال، مسی همچنان برای نسل جدید بازیکنان بارسلونا فراتر از یک رقیب محسوب می‌شود؛ اسطوره‌ای که بسیاری از آنها با تماشای فوتبالش عاشق این ورزش شدند.

عکس نوشت



روبرتو کارلوس، اسطوره برزیل، در گفت‌وگویی احساسی گفت اولین حقوقش را صرف خرید ماشین لباس‌شویی برای مادرش کرد؛ چرا که او با تخته‌های چوبی در روستا لباس می‌شست. همچنین برای پدرش دوچرخه خرید، نه ماشین. او گفت: «هرگز فراموش نکردم از کجا آمده‌ام؛ خانواده‌ای ساده که عشق در آن با تلاش سنجیده می‌شد.» پیامی که ارزش‌های انسانی را فراتر از شهرت و ثروت نشان می‌دهد.

2

در جشن قهرمانی اسپانیا، لامین یامال با پلاکاردی ظاهر شد که روی آن نوشته بود: «مسابقه سال، راند ۷: پاردس در برابر گاو!» این شوخی اشاره به درگیری تنش‌آمیز این دو بازیکن پس از فینال جام جهانی داشت که حساسی جنجال‌ساز شده بود. یامال فرصت را غنیمت شمرد و باین حرکت باعث واکنش‌های خنده‌دار از سوی کاربان شبکه‌های اجتماعی شد.



3

وقتی رقیب‌های دیروز، دوستان امروز شدند؛ پس از اهدای جام جهانی به اسپانیا، سرخیوراموس بدون رعایت پروتکل، به سمت لیونل مسی رفت و او را در آغوش گرفت. دو اسطوره‌ای که سال‌ها در بزرگ‌ترین بازی‌های تاریخ فوتبال رقیب بودند و بعداً در بازی‌ن‌ژرمن هم‌تیمی و دوست شدند. این آغوش، پیامی روشن داشت: احترام همیشه بالاتر از رقابتی است. دو افسانه که دوران فوتبال را رقم زدند.

